

تولید نفت خام عراق از سر گرفته می شود

اکنون تولید نفت خام عراق در حد یک جوی باریک است، اما می تواند به فوری مبدل شود که جهان را تکان دهد



به قلم: دونالد ال. بارلت (Donald L. Barlet) و جیمز بی. استیل (James B. Steele)
منبع: تایم، چاپ آمریکا، ۱۰ می ۲۰۰۳ (۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۲)
ترجمه: منصوره حمصیان

اشاره: همه می دانند که آقای ولفوویتز، طراح اصلی و مدافع همیشگی جنگ آمریکا علیه عراق می باشد. از آقای ولفوویتز در مصاحبه ای با مجله آلمانی دی وولت در تاریخ پنجم ژوئن ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) در کشور مالزی سؤال می شود:
چرا در مقایسه بین یک کشور اتمی، مانند کره شمالی با عراق که سلاح کشتار جمعی ندارد، عراق برای جنگ انتخاب شد؟ دلیل این تفاوت در برخورد چیست؟
ولفوویتز صراحتاً در پاسخ می گوید: "بگذارید نگاه درستی به آن قضیه بیندازیم؛ مهم ترین تفاوت در برخورد بین کره شمالی و عراق این است که به لحاظ اقتصادی، در واقع انتخابی جز عراق نداشتیم، زیرا عراق بر روی دریایی از نفت شناور است."
در حالی که آقای ولفوویتز چنین توضیحی داده است، ما بر آنیم که دیدگاه های مختلف را در این مورد بررسی کنیم. مقاله ترجمه شده زیر که از نظر خوانندگان می گذرد. گامی است در جهت بهتر شناختن انگیزه های گروه "محافظه کار جدید" حاکم در آمریکا.

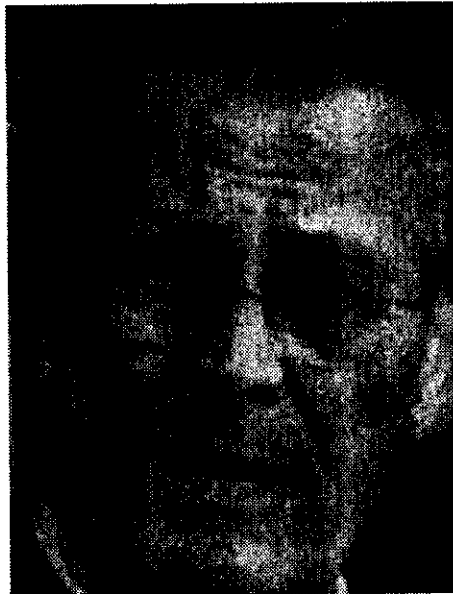
عراق، بالقوه،
مهم ترین بازیگر
جدید در بازار
جهانی نفت است

با نگاه کردن به وضعیت امروز عراق، هرگز نمی توان تشخیص داد که این کشور یک غول نفتی است. عراق در حال حاضر کشوری است که بحران انرژی آن را فلج کرده است. در جای جای این کشور، رانندگان در صف های طولانی به انتظار دریافت بنزین متوقف می شوند که گاه برای چندین روز ادامه دارد. برق می آید و می رود. مردم در خانه ها سوخت برای آشپزی ندارند. صنعت نفت عراق که در دوران اوج خود سه و نیم میلیون بشکه در روز تولید می کرد، اکنون اندکی بیش از ۵ درصد این مقدار را تولید می کند. پالایشگاه ها با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت خود به کار مشغول اند. اما این تصویر حقیقت عمیق تری را در خود نهفته دارد: عراق، بالقوه، مهم ترین بازیگر جدید در بازار جهانی نفت است. اگرچه هر روز اخبار تازه تری از خرابی ماشین آلات استخراج نفت خام از قبیل شکستگی خطوط لوله، دستگاه های تخریب شده توسط افراد غارتگر، تجهیزات زنگ زده و کهنه و تکنولوژی دهه ۱۹۷۰ که در قرن ۲۱ از آن استفاده می شود، به گوش می رسد، اما عراق تنها کشوری است که می تواند در مقیاس قابل مقایسه با عربستان سعودی، نفت ارزان قیمت به بازار جهانی سرازیر کند و این وضعیت، آزمون تازه ای را در برابر واشنگتن قرار داده است.

دونالد رامسفلد - وزیر دفاع - درباره این که جنگ عراق برای چه اهدافی صورت گرفته، مواضع قاطع و سرسختانه ای دارد. او می گوید این جنگ، "کاری با نفت ندارد؛ اصلاً به نفت مربوط نمی شود." علت شدید بودن اعتراض وی آن است که دولت بوش اکنون در مقابل افکار عمومی جهانی بار اثبات این امر را که ایالات متحده در صدد استثمار منابع زیرزمینی عراق نیست متحمل گردیده است. ساعاتی پس از شروع تهاجم، نیروهای امریکایی دوبایانه نفتی دریایی را که می تواند روزانه دو میلیون بشکه نفت را به تانکرها منتقل کند، به اشغال خود درآوردند. آنها با چنان سرعتی میدان نفتی رومیله (Rumaila) در جنوب عراق را به تصرف درآوردند که نیروهای عقب نشینی کننده عراقی فقط توانستند ۹ حلقه چاه آن را به آتش بکشند، در حالی که در جنگ قبلی خلیج فارس ۶۵۰ چاه نفتی کویت توسط نیروهای عراقی به آتش کشیده شد. نیروهای هواپرد نیز میادین نفتی کرکوک در

شمال را تقریباً دست نخورده تصرف کردند.

سه هفته بعد، هنگامی که نیروهای ایالات متحده وارد بخش‌های مرکزی شهر بغداد شدند، مستقیم به طرف ساختمان وزارت نفت رفتند و یک سیر حفاظتی در اطراف آن به وجود آوردند؛ در حالی که دیگر ساختمان‌های دولتی، از وزارت امور مذهبی گرفته تا موزه ملی اشیای باستانی مورد غارت و چپاول قرار گرفت و بیمارستان‌ها از دارو و تجهیزات پزشکی خالی شد، پرونده‌های وزارت نفت عراق صحیح و سالم در جای خود توسط نظامیان امریکایی محافظت گردید. ژنرال ریچارد مایرز (Myers)، فرمانده نیروهای مهاجم در این خصوص چنین توضیح داد: "به نظر من بیش از هر چیز در اینجا مسئله اولویت‌ها مطرح است." صرف نظر از انکار رامسفلد، حقیقت آن است که نفت - مالکیت آن، میزان تولید آن و تعیین قیمت آن - بر هر موضوع مهمی در خاورمیانه حکومت می‌کند و بر نظام‌های اقتصادی دیگر نقاط جهان نیز مؤثر است. در حالی که دولت بوش مکرراً اعلام نموده که نفت عراق متعلق به شهروندان آن کشور است - و به قول پرزیدنت بوش، "ما تضمین می‌کنیم که منابع طبیعی عراق در جهت منافع صاحبان آن، یعنی ملت عراق مورد استفاده قرار بگیرد." - آثار موضوع فراتر از خود عراق است. مقدار نفتی که عراق وارد بازار می‌کند فقط بر استاندارد زندگی مردم عراق مؤثر نیست، بلکه به بسیاری امور دیگر از اقتصاد روسیه گرفته تا بهایی که مردم امریکا برای بنزین می‌پردازند و از ثبات عربستان سعودی گرفته تا آینده ایران تأثیرگذار



رامسفلد

خواهد بود.

به راستی چرا عراق تا این اندازه ارزشمند است؟ کشور عراق نه تنها از توان بالقوه برای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان برخوردار است، بلکه هیچ کشور دیگری نمی‌تواند تا این حد ارزان به چنین هدفی دست یابد. علت این امر آن است که عراق بنا به دلایل زمین‌شناختی، از پر نفت‌ترین چاه‌های جهان برخوردار است. در سال ۱۹۷۹، یک سال پیش از آن که میدان نفت عراق در اثر اولین جنگ از سه جنگ آبی آن کشور تخریب گردد، هر یک از چاه‌های آن کشور به طور متوسط ۱۳۷۰۰ بشکه در روز نفت تولید می‌کرد. در مقایسه، میانگین بازدهی چاه‌های نفت عربستان سعودی ۱۰۲۰۰ بشکه در روز بود. چاه‌های نفت ایالات متحده که به تدریج در حال خشک شدن هستند، میانگین تولید روزانه‌ای برابر ۱۷ بشکه دارند. برای تولیدی معادل یک چاه متوسط عراق، ۸۰۰ چاه نفت امریکا باید همزمان نفت تولید کنند. در نتیجه، هزینه‌های تولید در عراق بسیار پایین‌تر است. هزینه متوسط بیرون کشیدن یک بشکه نفت از دل زمین در ایالات متحده حدود ۱۰ دلار است. در عربستان سعودی این کار هزینه‌ای معادل حدود دوونیم دلار در بر دارد. ولی در عراق، هزینه این کار به گفته فضیل چلبی مدیر اجرایی مرکز مطالعات جهانی انرژی (Center for Global Energy Studies) در لندن و معاون سابق وزیر نفت عراق، چیزی کمتر از یک دلار است. نکته دیگر آن که بیشتر ذخایر نفتی شناخته شده عراق هنوز به طور کامل توسعه نیافته و آماده توسعه هستند. به همین دلیل است که همه حریصانه به این کشور چشم دوخته‌اند و باز به همین علت است که هر یک از قدرت‌های بزرگ جهان و گروه‌های مختلف بین‌المللی برای نفت عراق برنامه خاصی دارند. از میان آنها می‌توان نمونه‌های زیر را برشمرد:

ایالات متحده

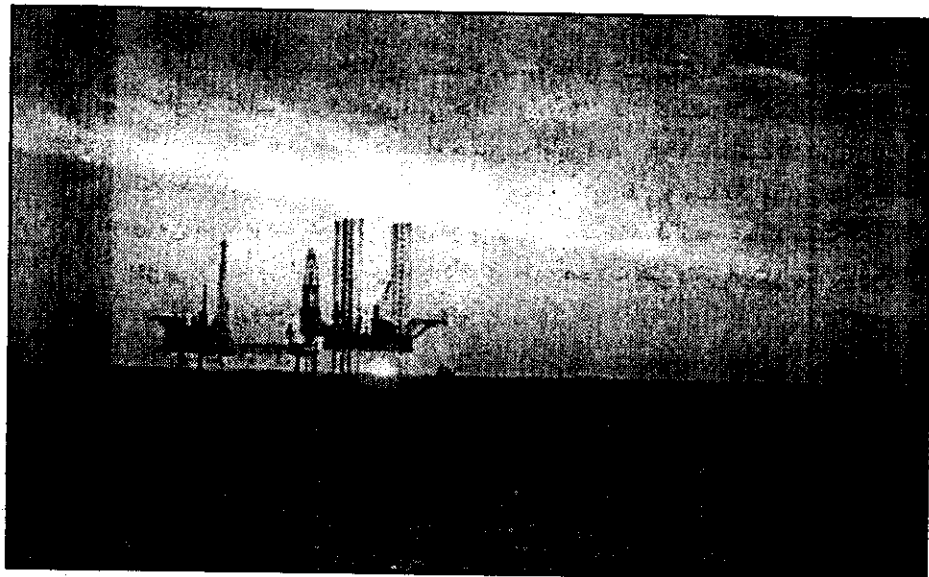
برای مدت بیش از نیم قرن، سیاست خارجی ایالات متحده در رابطه با نفت سرشار از توطئه و فریب بوده که بارزترین نمونه‌های آن عبارتند از ساقط نمودن نخست‌وزیر ایران (دکتر محمد مصدق) از قدرت در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، مسلح نمودن شورشیان افغان در دهه ۱۹۸۰، حضور نظامی دائمی در خلیج فارس و حمایت اولیه از صدام حسین در عراق. اگر اکنون مسئله عراق به صورت شفاف حل شود - یعنی همان گونه که دولت بوش ادعا می‌کند، جنگ صرفاً برای آزادسازی عراق از شر یک دیکتاتور و نجات جهان از یک تهدید امنیتی به راه افتاده باشد و نه آن گونه که جهانیان باور دارند، برای تسلط یافتن به منابع نفتی - آنگاه باید اذعان نمود که عراق اولین نمونه تاریخی از نوع خود است. معیار مناسب برای سنجش مقاصد ایالات متحده وضعیت ایران در دهه ۱۹۵۰ است. پیش از کودتای برنامه‌ریزی شده توسط ایالات متحده علیه دولت ایران، شرکت‌های نفتی امریکایی حضوری در این کشور نداشتند. پس از کودتا، ۵ شرکت نفتی ایالات متحده وارد ایران شدند و تولید نفت را برای مدت ۲۵ سال در دست گرفتند. ایالات متحده که اکنون بیش از هر زمان در گذشته متکی به "واردات نفت" است، در صدد "توع"

دو نایب رامسفلد -
وزیر دفاع - درباره
این که جنگ عراق
برای چه اهدافی
صورت گرفته،
مواضع قاطع و
سرسختانه‌ای دارد
او می‌گوید این
جنگ، 'کاری با نفت
ندارد؛ اصلاً به نفت
مربوط نمی‌شود'

مقدار نفتی که عراق
وارد بازار می‌کند
فقط بر استاندارده
زندگی مردم عراق
مؤثر نیست، بلکه
به بسیاری امور
دیگر از اقتصاد
روسیه گرفته تا
بهایی که مردم
امریکا برای بنزین
می‌پردازند و از
ثبات عربستان
سعودی گرفته تا
آینده ایران
تأثیرگذار خواهد
بود

کشور عراق نه تنها
از توان بالقوه برای
تبدیل شدن به
بزرگ‌ترین
تولیدکننده نفت
جهان برخوردار
است

برای تولیدی معادل
یک چاه متوسط
عراق، ۸۰۰ چاه
نفت امریکا باید
همزمان نفت تولید
کنند



بخشیدن به منابع تأمین نیازهای خود می‌باشد.

روسیه

روس‌ها پیش از تهاجم ایالات متحده به عراق که از سوی پرزیدنت ولادیمیر پوتین با قاطعیت مورد مخالفت قرار گرفت، قراردادهای متعددی را برای توسعه میادین نفتی جدید در عراق و افزایش تولید نفت آن کشور به میزان ۷۱۰۰۰۰ بشکه دیگر در روز منعقد نموده بودند. این که آیا دولت جدید مورد حمایت ایالات متحده در عراق به این قراردادها اقدام خواهد کرد، موضوعی است که بعداً روشن خواهد شد. اما روس‌ها فراتر از دستیابی به میادین نفتی عراق، دیگر علاقه چندانی به این موضوع ندارند که عراق به یک تولیدکننده بزرگ در حد و اندازه عربستان سعودی بدل شود. علت آن است که روسیه خود یکی از صادرکنندگان عمده نفت به شمار می‌رود و میلیاردها دلار از این طریق درآمد دارد. اگرچه ممکن است روسیه نهایتاً در چاه‌های خود را بیش از عربستان سعودی بگشاید و به این ترتیب تجربه سال ۱۹۹۱ را تکرار کند، اما قادر نخواهد بود به ارزانی عراق نفت خام تولید کند.

عربستان سعودی

تصور بر آن است که بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان صرف نظر از هرگونه رقابت، وضعیت مالی مطمئنی خواهد داشت. اما این تصور غلط است. در سال ۲۰۰۰ چاه‌های عربستان سعودی مجموعاً تولیدی معادل ۱/۸ میلیون بشکه در روز داشت. در همان سال، نفت سبک و با کیفیت عربستان سعودی به قیمت ۸۱/۲۶ دلار در هر بشکه به فروش می‌رفت. این وضعیت به عربستان امکان پس‌انداز می‌داد که البته دستاورد کم‌سابقه‌ای بود. اما طی ۱۶ سال از ۱۷ سال گذشته، دولت سعودی با کسر بودجه روبه‌رو بوده، چرا که درآمد نفت این کشور برای تأمین مخارج آن کفاف نمی‌داد. در نتیجه، کشوری که همگان نام آن را مترادف ثروت می‌دانند، عمیقاً در قرض فرورفته است. ظرف چندسال آینده که عراق صادرات نفت خود را به طور جدی افزایش می‌دهد، قیمت نفت پایین‌تر خواهد آمد و عربستان بیش از پیش دچار گرفتاری خواهد شد. برای خاندان پادشاهی سعودی که بر روی یک طناب باریک میان فساد داخلی خود و جمعیت در حال انفجار مسلمانان تندرو در حال حرکت است، این یعنی دردسر.

چین

چین، همانند روسیه، قراردادهایی را برای افزایش تولید نفت با دولت صدام منعقد نمود که در مورد چین، مقدار این افزایش تولید، ۹۰۰۰۰۰ بشکه در روز بود. اما برخلاف روسیه، چین خود به تمام این نفت و حتی به مقادیری بسیار بیشتر برای رشد اقتصادی خود نیازمند است. سال‌ها تصور می‌شد که چین از لحاظ نفتی به خودکفایی دست می‌یابد. ولی اکنون این امر محتمل به نظر نمی‌رسد. چین در حال حاضر روزانه دومیلیون بشکه نفت در روز وارد می‌کند و احتمال دارد به‌زودی به دومین واردکننده نفت پس از ایالات متحده مبدل شود. چین به ظهور یک تولیدکننده بزرگ جدید نیازمند است.

فرانسه

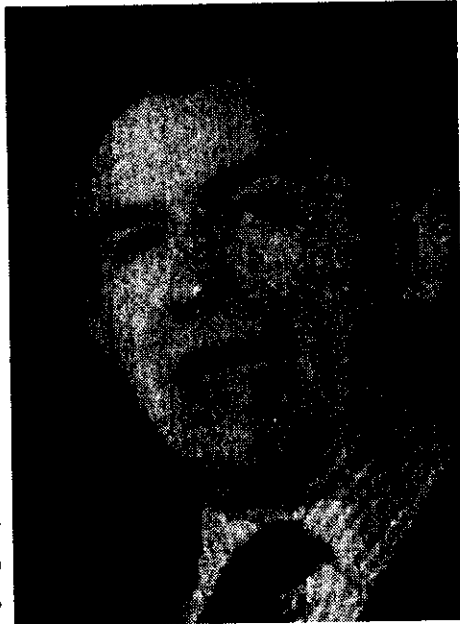
فرانسه به عنوان سرسخت ترین منتقد جنگ، روابط نزدیک و پرسیابقه‌ای را در زمینه‌های تجاری با عراق داشته است. شرکت‌های نفتی فرانسوی در ۷۵ سال گذشته، غالباً در آن کشور مشغول فعالیت بوده‌اند. فرانسه و دولت صدام حسین در اوایل دهه ۱۹۹۰ یادداشت تفاهمی را به امضا رساندند که شرکت‌های فرانسوی را دعوت به توسعه میادین نفتی و تولید یک میلیون بشکه نفت در روز می‌نمود، هر چند عملاً قراردادی در این راستا منعقد نشد. فرانسه، همانند بیشتر کشورهای اروپایی، برای تأمین نیازهای خود به واردات نفت و محصولات نفتی متکی است و میزان نیاز وارداتی آن به دو میلیون بشکه در روز بالغ می‌شود.

سازمان ملل متحد

دست آخر باید به یک نهاد دیگر اشاره کنیم که نسبت به موضوع نفت عراق علاقه مند است؛ یعنی سازمان ملل متحد. برای آن که عراق بتواند در ازای دریافت پول نقد، نفت صادر کند، سازمان ملل متحد باید مجازات‌های اقتصادی خود علیه عراق را لغو نماید. دولت بوش هفته گذشته قطعنامه‌ای را برای لغو مجازات‌ها در شورای امنیت مطرح نمود که اختیارات وسیعی را برای کنترل صنعت نفت و دولت عراق تا زمان روی کار آمدن یک حکومت دائمی در این کشور به ایالات متحده و متحدان آن می‌دهد. علی‌رغم تمامی امیدواری‌های آینده، صنعت نفت عراق، اکنون در وضعی بسیار آشفته قرار دارد و قادر نیست حتی برای تأمین نیازهای داخلی خود به مقدار کافی نفت خام و فرآورده‌های پالایش شده تولید کند، چه رسد به تولید نفت برای صدور به خارج. با تمام شدن ذخیرهٔ بمپ‌بنزین‌های بغداد، دست‌اندرکاران بازار سیاه، قیمت بنزین را به آسمان رساندند. به دنبال اقدام آمریکا برای وارد کردن بنزین از کویت در هفته گذشته، قیمت‌ها رو به کاهش گذاشت.

پالایشگاه‌ها به زحمت کار می‌کنند که علت اصلی آن کمبود نیروی برق است. پالایشگاه بصره که دومین پالایشگاه بزرگ عراق به حساب می‌آید، به یک دلیل دیگر، اکنون فقط با نصف ظرفیت خود کار می‌کند و این دلیل عبارت است از فقدان مواد شیمیایی لازم برای اضافه کردن به بنزین سرب‌دار که هنوز در اتومبیل‌های عراق مورد استفاده قرار می‌گیرد.

علاوه بر مشکلات فنی، صنعت نفت به بلیهٔ غارت و چپاول گرفتار شده که هنوز فروتنشسته است. گری و گلر (Gary Vogler) از مدیران اجرایی سابق شرکت اکسون / موبیل (Exxon Mobil) که از سوی دفتر بازاری و کمک‌های انسانی به عنوان مشاور ارشد وزارت نفت عراق منسوب گردیده، در مورد غارت یکی از ایستگاه‌های فشار در شمال عراق که منجر به قطع فعالیت آن ایستگاه گردید با مجلهٔ تایم سخن گفت. "آنها چند موتور را با خود بردند و لطمات شدیدی به ایستگاه وارد نمودند. افزایش این گونه حوادث، تأثیر زیادی به از سرگیری عملیات بهره‌برداری خواهد داشت." گلر می‌گوید وزارت نفت مشغول تهیهٔ فهرست نقاطی است که باید توسط نیروهای آمریکایی حفاظت شود. "به نظر می‌رسد خسارت این چپاول‌ها بیش از زیان‌های جنگ باشد." به اعتقاد تام لاگسدون (Tom Logsdon) یکی از مقامات لشکر مهندسی ارتش ایالات متحده، کلید احیای صنعت نفت عراق در بازگرداندن اهرم قدرت به این کشور است. "اگر این مهم انجام پذیرد، میزان چپاول کاهش پیدا می‌کند، کنترل در امور غیرنظامی بیشتر خواهد شد و در بسیاری از موارد کار آسان می‌شود." علی‌رغم تمام این مشکلات، دولت بوش نسبت به از سر گرفته شدن تولید نفت در عراق خوش بین است. معاون رئیس جمهور، دیک چنی اخیراً گفته، "ما باید بتوانیم تولید نفت آنها را تا پایان امسال به مرز دوونیم تا سه میلیون بشکه در روز برسانیم." در حال حاضر، تصویری که سیاست‌گذاران ایالات متحده از عراق دارند، یک تولیدکنندهٔ شناور است که می‌تواند برای تنظیم عرضه و تقاضای نفت در جهان یا تنظیم قیمت‌ها به اندازهٔ کافی نفت تولید نماید. (اگر یک بازار آزاد واقعی برای نفت به وجود آید، نفت خام به قیمت بشکه‌ای ۱۲ دلار به جای ۲۶ دلار فعلی به فروش خواهد رسید و قیمت بنزین هم به کمتر از یک دلار در گالن می‌رسد.) اهمیت عراق برای ایفای این نقش، دو سال قبل در یک گزارش نه‌چندان معروف بیان شد که توسط شورای روابط خارجی و مؤسسهٔ سیاست عمومی جیمز بیکر (James Baker III) وابسته به دانشگاه رایس (Rice) که نام وزیر امور خارجهٔ بوش پدر را بر خود دارد، منتشر گردید. گزارش مزبور چنین تصویری از واقعیت‌ها ارائه می‌کرد: "بازارهای محدود نفتی، میزان آسیب‌پذیری ایالات



ولفوویتز

ظرف چندسال آینده
که عراق صادرات
نفت خود را به طور
جدی افزایش
می‌دهد، قیمت نفت
پایین‌تر خواهد آمد
و عربستان پیش از
پیش دچار گرفتاری
خواهد شد. برای
خاندان پادشاهی
سعودی که بر روی
یک طناب بازی
میان فساد داخلی
خود و جمعیت در
حال انفجار
مسلمانان تندرو در
حال حرکت است،
این یعنی در دسترس

فرانسه، همانند
بیشتر کشورهای
اروپایی، برای تامین
نیازهای خود به
واردات نفت و
محصولات نفتی
متکی است و میزان
نیاز وارداتی آن به
دومیلیون بشکه در
روز بالغ می شود.

دولت موش شفیه
کدشقه قطعنامه ای را
برای لغو مجازات ها
در شورای امنیت
مطرح نمود که
اختیارات وسیعی را
برای کنترل صنعت
نفت و دولت عراق تا
زمان روی کار آمدن یک
حکومت دائمی در این
کشور به ایالات
متحده و متحدان آن
می دهد.

به اعتقاد تام
لاگستون (Tom Lagston)
یکی از مقامات لشکر
مهندسی ارتش ایالات
متحده، کلید احیای
صنعت نفت عراق در
بازگرداندن اهرم
قدرت به این کشور
است.



متحده و کل جهان را در برابر مشکلات افزایش می دهد و قدرت سیاسی نامطلوبی را برای تأثیرگذاری بر قیمت نفت در اختیار دشمنان قرار می دهد. عراق به یک تولیدکننده شناور کلیدی تبدیل شده که دولت ایالات متحده را با وضعیت دشواری روبه رو می کند. حال که جنگ به پایان رسیده و ایالات متحده خاک عراق به اشغال خود در آورده است، نقش عراق به عنوان یک تولیدکننده شناور، مشکلات جدیدی به همراه خواهد آورد. اگر عراق تولید خود را به دوونیم تا سه وونیم میلیون بشکه در روز محدود کند، قادر نخواهد بود برای بازسازی زیربنای خود درآمد کافی ایجاد نماید و دست کم بخشی از ۴۰۰ میلیارد دلار قرض و غرامت جنگی را که بر عهده دارد بپردازد، میدان های موجود نفتی را مدرنیزه کند، میادین جدید را افتتاح نماید و استاندارد زندگی مردم خود را ارتقا بخشد. در حقیقت، یک گروه مشورتی متشکل از تبعیدی های عراقی وابسته به وزارت خارجه به این نتیجه رسیده که این کشور نیاز دارد میزان تولید خود را تا پایان دهه جاری دوبرابر نماید تا "اقتصاد عراق تقویت گردد و ملت عراق در سال های آینده از فقر نجات پیدا کنند." به اعتقاد تعدادی از کارشناسان، اگر عراق چنین کند، تقاضای رو به رشد برای نفت در بازار جهانی، تولید اضافه نفت عراق را به محض ورود به بازار می بلعد و به این ترتیب "قیمت ها به ثبات خواهد رسید." اما در یک سناریوی متفاوت، چنانچه تولید نفت عراق دوبرابر گردد، قیمت نفت می تواند با نزول فاحشی مواجه گردد و در سایر مناطق جهان، خصوصاً عربستان سعودی باعث بی ثباتی شود؛ این وضعیتی است که شاید ایالات متحده به هر قیمتی از آن جلوگیری کند. اما آیا ایالات متحده عملاً برای حفظ صلح، مانع تولید نفت یک کشور خواهد شد؟ محدودیت تولید در عراق یک ماجرای قدیمی است. این کشور همواره و از زمانی که برای نخستین بار در سال ۱۹۲۷ در نزدیکی کرکوک و با چند مایل فاصله از کوره آدم سوزی بخت النصر که در تورات از آن یاد شده نفت کشف شد، قربانی محدودیت تولید بوده. شرکت نفت عراق که مالکیت آن مشترکاً از آن غول های نفتی ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و هلند بود، نخستین چاه نفت آن کشور را حفاری نمود. میزان تولید آن ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز بود. نفت ارزان قیمت در این حجم زیاد، چیزی نبود که شرکت های نفتی بین المللی به دنبال آن می گشتند. بنابراین آنها در چاه را بستند و در طول دهه ۱۹۳۰ این میدان نفتی را تعطیل نمودند، چون در دهه ۱۹۳۰ جهان از نفت اشباع شده بود و قیمت ها بسیار نزول کرده بودند. نفت خام تگزاس از ۳۰/۱ دلار در بشکه به پنج سنت کاهش یافت.

شرایط در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ تا حدودی بهبود یافت اما نه خیلی زیاد. وزارت خارجه در یادداشت مورخ اکتبر ۱۹۶۴ خود خاطر نشان می ساخت که شرکت نفت عراق از مدت ها قبل "میزان تولید نفت خود را براساس منافع کلی و جهانی شرکت های عضو خود تنظیم نموده و نه صرفاً براساس منافع کشور عراق." بعدها به دلیل ناآرامی سیاسی داخلی در دهه ۱۹۷۰، جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ و مجازات های اقتصادی سازمان ملل متحد از ۱۹۹۰ تا کنون، تولید نفت عراق محدود شد.

به طور خلاصه، عراق هرگز در عمل به توان تولید بالقوه خود دست پیدا نکرده است. تولید این کشور در سال

۱۹۷۹ به اوج خود یعنی سه و نیم میلیون بشکه در روز رسید. میزان تولید نفت عراق در عمل به متغیرهای زیادی از قبیل مواردی که ذکر می شود بستگی دارد؛ آیا حکومت جدید آن کشور شرکت های نفتی خارجی بر خوردار از توان کارشناسی فنی و قدرت مالی را تشویق خواهد نمود که به توسعه میادین بپردازند؟

آیا عراق به وضعیت سابق خود به عنوان یک عضو وظیفه شناس اوپک بازگشت می کند و محدودیت های تولید وضع شده توسط این گروه را رعایت می نماید - یا آنها را نادیده می گیرد و هر مقدار که برای شهروندان عراقی مناسب باشد نفت تولید می کند؟ آیا عراق دست به تشکیل ائتلاف با روسیه، فرانسه و چین برای مدیریت تولید خود خواهد زد؟ و آیا شرکت های امریکایی و انگلیسی سهمی از این کار را خواند برد؟

در سال های پیش از آغاز جنگ ایالات متحده در قالب برنامه نفت در برابر غذا روزانه حدود ۶۰۰۰۰۰ بشکه نفت از عراق خریداری می کرد؛ هر چند که هیچ شرکت نفتی امریکایی در آنجا فعالیت نداشت. رقابت بر سر یک سرمایه داری بزرگ و سود سرشار است. قراردادهای اولیه با شرکت های امریکایی برای بازگرداندن میادین نفتی به تولید و بازسازی کشور دلیلی است بر این که ایالات متحده برای وارد کردن شرکت های خارجی به بازی چندان عجله ای ندارد.

در حال حاضر قراردادهایی مجموعاً به مبلغ نزدیک ۸۰۰ میلیون دلار به شرکت های هالیبرتون (Halliburton)، هوستون (Houston)، بکتل (Bachtel) و شرکت مهندسی و ساخت سانفرانسیسکو واگذار شده است. ریاست شرکت هالیبرتون پیش از پیوستن دیک چنی به دولت بوش با وی بود، گرچه کاخ سفید می گوید او هیچ نقشی در انتخاب این شرکت برای عقد قرارداد نداشته است.

بازگرداندن عراق به سطح تولید پیش از جنگ، ممکن است چندین میلیارد دلار هزینه دربرداشته باشد، اما استفاده کامل از ذخایر نفتی آن کشور به سرمایه گذاری هایی بالغ بر ده ها میلیارد دلار نیاز دارد. به همین دلیل، تبعیدی های عراق - و دولت بوش - مایل اند صنعت نفت عراق برای جلب سرمایه گذاری خارجی، خصوصی گردد که در میان کشورهای شدیداً ناسیونالیست تولید کننده نفت یک دیدگاه افراطی به شمار می رود. حسام الجلبی، وزیر نفت عراق از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰ که از آن زمان به عنوان یک مشاور خصوصی امور انرژی در امان، پایتخت اردن، فعالیت می کند به تایم گفت که برای رسیدن عراق به سطح تولید ۶ میلیون بشکه در روز "صحبت از ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در مناطق نفتی عراق به میان خواهد آمد". برای مشخص کردن توان بالقوه عراق باید خاطر نشان کرد تاکنون فقط ۱۷ میدان از ۸۰ میدان کشف شده این کشور توسعه یافته است. یکی دیگر از مقامات سابق نفتی عراق بر این عقیده است که آن کشور می تواند تولید خود را به سطح ۱۲ میلیون بشکه در روز برساند و به سادگی جایگاه تولید کننده شماره یک جهان را به دست آورد.

اگر عراق در این مسیر گام بردارد، آثار سیاسی آن گسترده خواهد بود. اجرای این برنامه یعنی پول کمتر برای روس ها که به تازگی امور داخلی خود را با اتکا به درآمد صادرات نفت سر و سامان دادند. اجرای این برنامه یعنی پول کمتر برای ایران بی ثبات که مشکوک به تلاش برای تولید سلاح های هسته ای است. اجرای این برنامه یعنی پول کمتر برای دیگر تولید کنندگان نفت در تگزاس و شرکت های نفتی در همه جای دنیا. اجرای این برنامه یعنی پول کمتر برای دیگر تولید کنندگان نوظهور نفت که امیدوارند تقاضا برای نفت گران قیمت تولید شده توسط آنها زیاد باشد و از همه مهم تر این یعنی پول کمتر برای عربستان سعودی.

خاندان پادشاهی سعود قادر به تحمل این چنین وضعیتی نخواهد بود. نقطه میانگین محدوده قابل قبول قیمت های جهانی نفت یعنی ۲۵ دلار برای هر بشکه به شدت از سوی عربستان حمایت می شود تا خواسته های خاندان پادشاهی را که فساد آن حتی رشک صدام حسین را بر می انگیزد پوشش دهد. همان گونه که سفیر عربستان در ایالات متحده نیز یک بار توضیح داده، "اگر از ۳۰۰ میلیارد درآمد نفتی، ۵۰ میلیارد هم صرف فساد شود اتفاق نمی افتد. به هر حال ما اولین کسانی نبوده ایم که فساد را اختراع کرده ایم."

کلمه "خاندان" در عبارت "خاندان سلطنتی" در معنای رایج خود به کار نمی رود. برآوردهای غیر رسمی، تعداد اعضای این خاندان را بین ۳۰۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر ذکر می کنند. به همین دلیل، تمام پول نفت این کشور که اکنون با نرخ سالانه ۵۰ میلیارد دلار به سمت آن سرازیر می شود، برای مقاصد فسادجویانه این خاندان لازم است. چنین درآمد سالانه نفتی می تواند در صورت توزیع عادلانه، برای هر تبعه عربستان سعودی که به سن کار رسیده ۶۷۰۰ دلار در سال درآمد ایجاد کند.

در میان این جمعیت تازا صنی رویه ر تشنه هر سیستان که مطلوب ان میروان اسامه بن لادن است و ۱۵ نفر از ۱۹ هواپیمای جای ۱۱ سیتامبر ۲۰۰۱ از میان آنها بر خاسته کادری وجود دارند که مصر به برجیدن بساط سلطنت و قطع روابط با ایالات متحده است. اجرای ماموریت این افراتیون در نتیجه هر گونه کمبود نقدینگی عربستان سعودی آسان تر خواهد شد. چون در این صورت، شرایط اقتصادی برای بروز انقلاب مهیاتر از گذشته است و چنین بحرانی سرنویست ۱۱ درصد عرضه نفت جهان را در هاله ای از ابهام فرو خواهد کرد

اما توزیع درآمد در آن کشور وضع مناسبی ندارد. بخش اعظم ثروت عربستان در خاندان سلطنتی متمرکز شده است. تمام پول نفت این کشور صرف دو هدف می شود. اول، تأمین مخارج ولخرجی های اعضای خاندان سلطنتی؛ آنها در همه جا برای خود قصر ساخته اند و در هر مسافرت پادشاهان، گروهی بالغ بر ۱۰۰۰ نفر همراهی هستند که بدون احتساب مخارج خرید در سفر، روزانه ۴ میلیون دلار هزینه دربردارد. دومین هدف که البته از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد، عبارت است از کنترل بنیادگرایان و تندروهای مسلمان که جمعیت آنها با سرعت زیادی رو به رشد است. عربستان سعودی یکی از بالاترین نرخ های رشد جمعیت در جهان را دارد. از سال ۱۹۸۰ تاکنون، جمعیت عربستان بیش از دو برابر شده و به ۳/۱۷ میلیون نفر رسیده است که تقریباً سه چهارم آن کمتر از سی سال دارند. علی رغم تمام درآمدهای میلیاردری حاصل از فروش نفت، میزان فقر در این کشور گسترش یافته و دیون آن از کنترل خارج شده است. در حال حاضر، میزان بدهی عربستان سعودی حدود ۱۷۰ میلیارد دلار است که با کل ارزش تولید سالانه کالاها و خدمات در این کشور برابری می کند.

تولید ناخالص ملی سرانه از ۸۰۰/۱۵ دلار، مربوط به سال ۱۹۸۰ به ۸۲۰۰ دلار در سال ۲۰۰۱ سقوط کرد. نرخ بیکاری در حدود ۳۰ درصد برآورد می شود. بیشتر جمعیت این کشور سطح آموزش پایینی دارند. رئیس سابق سیا، جیمز وولسی (James R. Woolsey) می گوید: «بیشتر جوانان سعودی پس از فارغ التحصیل شدن از مدرسه مجهز به تعلیمات کافی برای انجام مشاغل لازم جهت یک اقتصاد مدرن نیستند. در عوض، بسیاری از آنها به استخدام پلیس مذهبی این کشور درمی آیند. خشم جوانان سعودی در نتیجه نداشتن شغل مفید و تلقین عقاید آنها کاملاً محسوس است.»

در میان این جمعیت ناراضی روبه رشد عربستان که مملو از پیروان اسامه بن لادن است و ۱۵ نفر از ۱۹ هواپیماربای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از میان آنها برخاستند، کادری وجود دارد که مصر به برچیدن بساط سلطنت و قطع روابط با ایالات متحده است. اجرای مأموریت این افراطیون در نتیجه هرگونه کمبود نقدینگی عربستان سعودی آسان تر خواهد شد، چون در این صورت، شرایط اقتصادی برای بروز انقلاب مهیاتر از گذشته است و چنین بحرانی سرنوشته ۱۱ درصد عرضه نفت جهان را در هاله ای از ابهام فرو خواهد برد. حال، سؤال این است که ایالات متحده در این خصوص چه برنامه ای دارد و این آزمونی است برای اهداف امنیتی رقیب، برنامه های مختلف اقتصادی و حتی برای هریک از انشعابها و دسته های داخلی دولت آمریکا. وزارت امور خارجه ایالات متحده ترجیح می دهد تولید نفت عراق را تحت کنترل نگاه دارد تا از متحدان خود، به ویژه عربستان سعودی و روسیه حمایت نماید. در مقابل وزارت دفاع مایل است سطح تولید عراق را بالا ببرد تا از یک متحد جدید قدرتمند برخوردار باشد و اتکای آمریکا به نفت عربستان سعودی را کاهش دهد. افزایش تولید نفت عراق، برای مصرف کنندگان و برای تنوع بخشیدن به منابع تأمین نفت آمریکا مطلوب است. ولی برخی کشورها همچون عربستان سعودی را به دوران جدیدی از عدم اطمینان وارد می نماید.

گزارشگران: لورا کارماتز (Laura Karmatz) نیویورک

تری مک کارتی (Terry Mc. Carthy) بغداد

آدام زاگورین (Adam Zagorin) واشنگتن

پژوهشگر: جون لوینستین (Joan Levinstein)

در سال های پیش از آغاز جنگ ایالات متحده در قالب برنامه نفت در برابر غذا روزانه حدود ۶۰۰ بشکه نفت از عراق خریداری می کرد. هر چند که هیچ شرکت نفتی آمریکایی در آنجا فعالیت نداشت.

افزایش تولید نفت عراق، برای مصرف کنندگان و برای تنوع بخشیدن به منابع تأمین نفت آمریکا مطلوب است. ولی برخی کشورها همچون عربستان سعودی را به دوران جدیدی از عدم اطمینان وارد می نماید.

